



بسم الله الرحمن الرحيم

این جلسه برای من بسیار جلسه‌ی شیوا و دل‌نشینی است. اگر چه دوستان و برادران بیانات خوبی - شافی و وافی - کردند و دو ساعت و اندی در خدمتتان بودیم، لیکن من هیچ خسته نیستم و آماده هستم و آماده بودم که از دیگر حضار مجلس هم مطالبی را بشنوم. البته ظهر نزدیک است و به وقت اذان و نماز نزدیک میشویم؛ محدودیت‌مان فقط از این ناحیه است؛ والا من هیچ خسته نیستم. این را از این باب گفتم که تو بیان این مجری محترم اشاره شد که فلانی خسته است؛ نه، من هیچ احساس خستگی نمیکنم و آماده هستم که بشنوم، لیکن وقت محدود است و قهراً تا ظهر بیشتر وقت نیست.

آنچه که دوستان، برادران، خواهران فرمودید، برای من از دو نظر بسیار مفید بود. یکی از جهت خود این مطالب که نکاتی در آن وجود داشت؛ چه در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، چه در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و همچنین زمینه‌های متنوع دیگر که اینها ان شاءالله مورد استفاده‌ی ما قرار خواهد گرفت و امیدواریم در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آینده از این نظرات خوب بهره‌برداری کنیم. جهت دوم این است که من توانستم در یک نمایشگاه محدودی، ظرفیت نیروی انسانی برجسته‌ی این استان را به چشم ببینم. اگر چه من با آثار بخشی از نخبگان کرد از دیرباز آشنائی داشته‌ام.

به مناسبت حضور آقای احمد قاضی که اطلاع پیدا کردیم ایشان برادر مرحوم محمد قاضی، مترجم معروف، هستند، بگویم که من شاید چهل سال پیش یا بیشتر، اولین ترجمه را از مرحوم محمد قاضی خواندم که گمان میکنم ترجمه‌ی کتاب «مهاتما گاندی» نوشته‌ی رومن رولان بود. هم کتاب، کتاب بسیار ممتازی است، هم ترجمه‌ی محمد قاضی حقاً ترجمه‌ی برجسته و ممتازی است. البته چند سال بعد هم ترجمه‌ی دیگر ایشان را از یک اثر بسیار مهم دیگری از رومن رولان خواندم که «جان شیفته» - است به نظرم سه، چهار جلد است - با نثر بسیار فاخر و حقیقتاً مرصع و مزین. البته من از جهت اینکه ترجمه چقدر با اصل مطابق است، اظهار نظری نمیتوانم بکنم؛ کسانی که زبان اصل را میدانند، آنها باید اظهار نظر کنند، لیکن از نظر زبان و نثر، حقاً یک چیز برجسته‌ای است. ما با آثار مترجمین و نویسندگان فارسی‌آشنا هستیم و تقویم و ارزیابی این آثار، فی‌الجمله در ذهن هست. با این محاسبه، به نظر من ترجمه‌ی مرحوم قاضی ترجمه‌ی برجسته‌ای است. من البته خود ایشان را هم یک بار دیدم؛ در اواخر دوران ریاست جمهوری در شیراز در کنگره‌ی حافظ با ایشان ملاقات کردم - ایشان را معرفی کردند - حنجره‌ی ایشان مشکلی پیدا کرده بود، با میکروفون صحبت میکرد؛ چند جمله‌ای با ایشان صحبت کردیم.

یا نثر مرحوم عبد الرحمن شرف‌کندی (هجار) که دوستان اشاره کردند. حقاً کار بسیار بزرگی را انجام داده؛ این ترجمه‌ی کتاب قانون ابن سینا یک کار پیچیده و مرکب و بسیار ارزشمند است. هزار سال این کتاب که به زبان عربی به وسیله‌ی یک ایرانی نوشته شده و در طول قرن‌ها در دانشگاه‌های بزرگ پزشکی عالم مورد استفاده قرار گرفته، به فارسی ترجمه نشده بود. من اطلاع داشتم که تا اندکی قبل، مثلاً شاید تا صد سال قبل، در مدارس پزشکی کشورهای اروپائی، قانون به عنوان یک مرجع مطرح بوده و به زبانهای اروپائی ترجمه شده بوده؛ اما فارسی زبان از دانستن قانون محروم بود! در سالهای اواسط ریاست جمهوری به این نکته توجه کردم که ما چرا قانون را ترجمه نکردیم. یک جمعی را صدا کردم، گفتم بیائید همت کنید قانون را ترجمه کنید. یک حکمی داده شد و رفتند دنبال این کار. خوب، این کارها عشق لازم دارد؛ با حکم و با فرمان این کارها انجام نمیگیرد. در همین اثنا به من خبر دادند که این کتاب ترجمه شده و - به نظرم کتاب حدود هشت جلد است - کتاب مرحوم هجار را آوردند. من کتاب را که خواندم - حالا ما نه از پزشکی سررشته داریم، نه نشسته‌ام این کتاب را با متن عربی تطبیق کنم - دیدم هر کسی این کتاب را بخواند، حقاً و انصافاً در مقابل استحکام و استواری این نثر زیبا سر تعظیم فرود می‌آورد. خیلی خوب این ترجمه انجام گرفته. من البته ایشان را نمیشناختم؛ پرسیدم، گفتند ایشان کرد هستند. بعد هم



چند سال قبل اطلاع پیدا کردم ایشان از دنیا رفتند.

یا با بعضی از شعرای کرد آشنا هستم که مرحوم ستوده، سید بزرگوار، از جمله آنهاست که شاعر خیلی خوبی هم بود. با ایشان از اوائل انقلاب تا همین اوقاتی که ایشان مریض شد و آمد سنج ماند و همین جا هم ظاهراً از دنیا رفت، انس و آشنائی پیدا کردیم. یا مرحوم گلشن کردستانی که قبل از اینکه خودش را ببینم، شعرش را من دیده بودم و خودش را هم از نزدیک مشاهده کردم. این آشنائی های فی الجمله هست و شخصیت فرهنگی مردم کرد، به عنوان يك حقیقت ثابت و روشن در ذهن بوده، اما امروز از نزدیک - همان طور که گفتم - يك نمایشگاه را در واقع من ملاحظه کردم و این برای من بسیار مغتنم و ارزشمند بود. ای کاش این فرصت پیدا میشد که تعداد بیشتری از فرزندان این استان می آمدند اینجا و ذهن و دل و زبان و فکر خود را نشان میدادند که برای من یقیناً مفیدتر بود. ان شاء الله از آنچه که دیدیم و فهمیدیم، امیدوارم که بتوانیم بهره ی کافی در جهت پیشرفت کشور عزیزمان و این استان غنی و پربرابر ببریم.

در این دو روزی که از حضور من در کردستان گذشته، در صحبت هائی که من داشتم، بیشتر غلبه با توصیف دلیری های مردم کرد بوده است؛ چه در دیدار عمومی، چه در دیدار نظامی، چه در بعضی از بخش های دیگر، لیکن حقاً و انصافاً من این جور یادداشت کردم که زیبایی های دیگر این مجموعه ی انسانی و این بخش جغرافیائی کشور، بر جنبه ی دلیری و شهامت و شجاعت این مردم که یکی از خصوصیاتشان است، غلبه دارد. زیبایی های زیادی در این استان هست: اخلاق خوش، صدای خوش، طبیعت زیبا، شعر لطیف، ادبیات والا، فکر روشن، دل باایمان؛ اینها را انسان در اینجا مشاهده میکند و می بیند و حقاً و انصافاً جای قدردانی دارد.

خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی این بخش ارزشمند، مورد احترام و مورد تمجید است. ما در نظام اسلامی، قدردانی میکنیم و قدر میدانیم؛ این ارزشهای معنوی و فرهنگی را در هر جایی که وجود داشته باشد، مغتنم می شماریم؛ چه در کردستان، چه در فارس، چه در اصفهان، چه در خراسان. انتظار این است که این حقیقت و این معنای واقعی را نخبگان کرد - اگر چه حالا در بیانات دوستان این معنا منعکس بود، من هم میدانم که بلاشک بخشی از نخبگان کرد همین جور می بینند و می اندیشند - منتقل و منعکس کنند. نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض آمیز نگاه نمیکند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطه ی ویژه ی دیگری در سرتاسر کشور. اینکه ما بارها تکرار کردیم که تنوع اقوام را ما برای کشورمان يك فرصت به حساب می آوریم، این يك حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام يك فرصت است. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب آمیز، قوم گرا، يك جنبه نگر نیست؛ این را به طور قاطع من اعلام میکنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف میزنم، نه در طول زمانهای گذشته - در دهه ی 60، زمان حیات مبارک امام (رضوان الله تعالی علیه) - چنین چیزی نبوده. نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانیت. همه ی مسلمانها و همه ی ایرانی ها در این نگاه، در محدوده ی جغرافیائی کشور دارای ارزش هستند. این فکر را نظام جمهوری اسلامی می خواهد نهادینه کند.

این استان به نظر من يك استان فرهنگی است؛ من این را مکرر گفته ام. سعی کردند این استان را يك استان امنیتی و يك استان نظامی کنند. حقیقت را واژگون جلوه دادند. این کار را جمهوری اسلامی که نکرد و به طور طبیعی نمیتوانست بکند. کی ها کردند؟ دشمنان نظام جمهوری اسلامی. آنها تبلیغ کردند که نظام جمهوری اسلامی، قوم کرد یا مذهب اهل تسنن را نمی پسندد یا نمی پذیرد. این دروغ بود؛ این خلاف واقع بود. بعد هم روشن شد، ثابت شد، همه دیدند. این نگاه، نگاه رژیم طاغوت بود. طبیعت آن رژیم، يك نگاه تبعیض آمیز بود؛ نه فقط نسبت به قوم کرد، به اقوام گوناگون کشور با انگیزه های گوناگون و با دلائل مختلف. این نگاه در جمهوری اسلامی منسوخ شد. خوب، دشمنها نمیخواستند این را بگذارند؛ منافعی داشتند در اینکه این نقطه ی از کشور، آنچه را که طبیعت نظام جمهوری اسلامی است، تحقق پیدا نکند.

بخشی از این مشکلات اقتصادی و عقب ماندگی ها که همه اش واقعیت است - اینها را من تو گزارشها هم خوانده ام و همین چیزی را که آقایان گفتند، اطلاع دارم. اینها واقعیاتی است که باید قطعاً علاج شود - معلول همان



خبابتهای و دشمنی‌ها و خصومت‌های کور و شدیدی است که در آغاز این اوضاع را در این استان به وجود آورد و آنها به هدایت دشمنان بود. و من بر این باور هستم که جمهوری اسلامی غلبه کرده، لیکن نه به این معنا که این دشمنی‌ها ریشه کن شده باشد. مسئولیت ما و شما همچنان باقی است. همه باید تلاش کنند که کردستان و منطقه‌ی کردی را با این همه استعداد - استعداد طبیعی، استعداد انسانی - به جایگاه متناسب خودش در مجموعه‌ی میهن بزرگ اسلامی عزیزمان برسانند. عده‌ای نمی‌خواهند این کار انجام بگیرد. همین حالا هم دارند تلاش میکنند. دوست ندارم من تو این جمع فرهنگی از نکاتی که برای انسان دل آزار است، مطلبی را بگویم، اما واقعیت دارد؛ این را سر بسته و مجمل بدانید و توجه داشته باشید. دشمن مشغول تلاش است. الان در همین پشت مرزهای ما - دیروز هم من یک جایی اشاره کردم - دستگاه‌های جاسوسی استکبار، علناً مشغول فعالیتند. یعنی ساختمان سی‌آی‌ای به طور رسمی و علنی در منطقه‌ی کردستان عراق مشغول کار و تلاش و فعالیتند و تلاش آنها علیه جمهوری اسلامی و بر روی هدایت هر جریانی که از او بتوانند ضد نظام جمهوری اسلامی استفاده کنند، متمرکز است. اینها تحلیل نیست، اینها اطلاع است؛ اینها آگاهی‌هایی است که ما داریم. و هوشیاری را می‌طلبد. حالا دستگاه‌ها باید هشیار باشند. از مردم هم توقعاتی وجود دارد. اما از نخبگان کشور و نخبگان منطقه انتظار بیشتری هست. شما عزیزانی که دردها را خوب می‌فهمید، خوب می‌شناسید، درمانها را خوب میدانید، با ذهن روشن بین خودتان اشراف بر خیلی از مسائلی دارید که توده‌ی مردم بر آنها اشراف ندارند، از شما انتظار هست. نظام جمهوری اسلامی یک سخن نو را به میدان آورده؛ بر خلاف آنچه که تبلیغ میکنند و می‌گویند - که این تبلیغ هم باز از سوی دشمنان و مخالفین نظام جمهوری اسلامی است - جمهوری اسلامی دشمن تراش نیست، تشنج آفرین نیست، دعوا درست کن نیست، دنبال دردسر نیست. اگر دردسری وجود دارد، ناشی از طبیعت نظام جمهوری اسلامی است. این طبیعت عبارت است از نگاه مستقل به مسائل عالم و تحت تأثیر قدرتها قرار نگرفتن در کوچک و بزرگ مسائل. این از تعالیم اسلام است، این آموزش اسلام است، این هم دستوری است که اسلام به ما داده است. اسلام نخواست است که ملت مسلمان در جهتگیری اش، در حرکتش، در سیاست‌هایش، در تصمیم‌گیری‌هایش تابع مراکزی باشد که مصالح استکباری خودش را و نگاه منفعت طلبانه‌ی خودش را دارند. باید نگاه کند آنچه را که منافع ملت و امت اسلام اقتضاء میکند، مسئولان حکومت موظفند آن را رعایت کنند. ما بر این اساس تحت تأثیر سیاست‌های قدرتهای مستکبر و مسلط قرار نگرفتیم. در قضایای گوناگون رأی آنها چیزی بود، رأی نظام جمهوری اسلامی چیز دیگری بود. این برای آنها قابل قبول نیست، بنابراین دشمنی را آغاز میکنند. نظام جمهوری اسلامی ناچار است از خودش دفاع کند. طبیعت ایستادگی، طبیعت استقلال همین است؛ اصطکاک به وجود می‌آورد. میشد ملت ایران هم حکومتی داشته باشند که این حکومت زیر بار زورگوئی‌های این و آن برود. آنوقت این اصطکاکها مسلماً وجود نمیداشت؛ اما آنچه که وجود نمیداشت، فقط این اصطکاکها نبود؛ چیزهای دیگری هم بود که آنها هم دیگر وجود نمیداشت: عزت ملی دیگر وجود نداشت، پیشرفت ملی دیگر وجود نداشت؛ همچنانی که در دوران طاغوت دیدیم.

این آماري که من آن روز در میدان بزرگ این شهر گفتم، آمار عبرت آموزی است. این استان شما با این همه امکانات، سی سال قبل، تعداد دانشجویش سیصد و شصت و پنج تاست؛ طبق آماري که آمار رسمی و محفوظ است. نسبت سواد در استان بیست و نه درصد است. بله، آن روز این مشکلاتی که امروز برای استان تصور میشود، نبود؛ اما با این هویت، با این وضعیت، با این ضعف و حقارت. این قابل تحمل است؟ و این را شما تعمیم بدهید به ملت ایران؛ همه جا همین جور بود. کتابها و خاطراتی را از دوران طاغوت، کسانی که خودشان جزو آن مجموعه‌ها بودند، نوشته‌اند که انسان وقتی می‌خواند، عرق شرم بر پیشانی اش می‌نشیند. بزرگان و تصمیم‌گیران کشور برای انتخاب نخست‌وزیر، برای تصمیم‌گیری در مسائل صدرصد داخلی، برای خطوط اصلی کشور، ناچار بودند سراغ سفیر آمریکا و سفیر انگلیس بروند، استمزاج کنند ببینند آنها مخالف نباشند! این حرفی نیست که مخالفین آن رژیم بخواهند درست کرده باشند؛ نه، حرفهائی است که خود آنها نوشته‌اند. البته تو همین اسنادی هم که در اختیار ما قرار گرفت، این چیزها وجود داشت و حالا هم صریحاً دارند مینویسند.

همین روزها کتابی دست من است دارم می‌خوانم که انسان واقعاً حیرت میکند. کو آن غرور ملی؟! کو آن عزت



ملی؟! کو آن احساس افتخار به ایرانی بودن؟! کو آن تکیه ی به این ملتی که این همه گذشته و میراث تاریخی شرافتمندانه دارد؟! هیچکدام در دوران رژیم طاغوت وجود نداشت؛ پهلوی ها یک جور، قبل از او قاجارها یک جور دیگر؛ یکی از یکی بدتر. نظام جمهوری اسلامی این بساطها را به هم زده. بایستی ما این را به عنوان یک حقیقت بدیع، روشن، ارزشمند در نظر داشته باشیم و محاسبات و اقدامها را بر این اساس قرار بدهیم. من احساس میکنم نخبگان محترم و عزیز این استان میتوانند نقشهای مهمی را در این بخش که در واقع یک بخش فرهنگی - سیاسی است، ایفاء کنند.

البته نخبه پروری هم یکی از وظائف مهم نخبگان هست. همین طور که ملاحظه میکنید، جوانهای برجسته ای الحمدلله هستند؛ نظیر همین دختر خانمی که آمدند اینجا و سخنانی را بیان کردند. انسان احساس میکند جوانان دانشجوی ما - چه پسرها، چه دخترها - استعدادهای برجسته ای هستند. البته در همه جای کشور این وجود دارد، در اینجا هم انسان بوضوح می بیند که بحمدالله وجود دارد. بخشی از این نخبه پروری البته مربوط به دستگاه های تصمیم گیرنده و دستگاه های دولتی است که بحق آنها باید دنبال کنند و البته ان شاءالله تأکید خواهد شد که دنبال شود؛ هم این نکاتی را که ذکر کردید و هم همه ی وظائف دیگر را؛ اما بخشی هم به عهده ی خود نخبگان است؛ به عهده ی اساتید، معلمان، آموزگاران دین، آموزگاران ادب و فرهنگ، آموزگاران علم در حوزه ی کار خودشان و در محدوده ی دانشجویی و تعلیم و تربیت خودشان که روی فکر جوانها تأثیر بگذارید. و توجه کنید که امروز دشمن از بودن یک ایران متحد منسجم پیشرو ناظر به افتخارات بزرگ، نگران و ناراحت است و نمیخواهد این کار انجام بگیرد. این حرکت بزرگ امروز در سایه ی اسلام که دین ماست، اساسی ترین علقه ی معنوی ملت ماست، تحقق پیدا کرده و آنها میخواهند خرابش کنند. البته نتوانسته اند، باز هم به توفیق الهی نخواهند توانست، اما از توطئه هاشان نباید غفلت کرد. و به نظر من، نخبگان عزیز و محترم ما، مسئولیت بزرگی دارند.

ضمناً برخی از نکاتی که دوستان بیان کردید، نکات اندیشیده شده ای است؛ یعنی رویش فکر شده، کار شده و تصمیم گرفته شده. بعضی هم البته نکات تازه ای است که بایستی به آنها توجه شود. راجع به آن مسائل مربوط به دانشجویها و محققین دانشگاهی که گفته شد و اینکه توجهی به آنها نمیشود، بودجه ای صرف نمیشود، من این نهاد تازه بنیاد معاونت علمی رئیس جمهور را - که بسیار نهاد خوبی است و مرجع همین جور چیزهاست؛ کارهای خوب و بزرگی هم انجام داده اند - به شما یادآوری میکنم که به نظر من به آن باید توجه کرد؛ به آن مراجعه کرد. و امیدواریم که خداوند متعال به همه ی شماها توفیق بدهد.

امروز برای من، این جلسه جلسه ی بسیار مفیدی بود؛ هم با شما - بخصوص با بعضی از چهره های محترم - از نزدیک آشنا شدیم، هم سخنان خوب و مفید و سازنده ای را شنیدیم. و امیدواریم ان شاءالله این جلسه برای آینده ی کردستان و آینده ی کشور به توفیق الهی منافع بزرگی را به همراه داشته باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته